



قرآن وجود خدا را بدیهی دانسته و آیه صریحی درباره اثبات آن ندارد

عضو هیئت علمی دانشگاه اردکان گفت: به نظر می‌رسد در قرآن، آیه صریحی که دلالت بر اصل وجود خداوند کند نداریم هرچند در برابر دیدگاه‌های ملحدین هم می‌توان دلیل آورد؛ چراکه در قرآن این اصل بدیهی و فطری است.

عضو هیئت علمی دانشگاه اردکان گفت: به نظر می‌رسد در قرآن، آیه صریحی که دلالت بر اصل وجود خداوند کند نداریم هرچند در برابر دیدگاه‌های ملحدین هم می‌توان دلیل آورد؛ چراکه در قرآن این اصل بدیهی و فطری است.

به گزارش خبرنگار ایکن، نشست «آیا وجود خدا در قرآن اثبات شده است؟» امروز شنبه ۲۱ آبان ماه از سوی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

احسان کردی اردکانی، عضو هیئت علمی دانشگاه اردکان در این نشست به سخنرانی پرداخت که در ادامه گزیده سخنان وی را می‌خوانید:

ما در اینجا می‌خواهیم به این بحث بپردازیم که موضع قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع معرفتی مسلمانان در برابر ملحدان و منکران در زمینه وجود خداوند چه بوده است. در این زمینه می‌توان به سه دیدگاه اشاره کرد. برخی معتقدند در قرآن استدلالی درباره اثبات وجود خدا نیست. برخی می‌گویند به صورت ضمنی و تلویحی به وجود خداوند در قرآن کریم اشاره شده است. گروه سوم نیز می‌گویند استدلال‌های صریح و مستقیم درباره اثبات وجود خداوند در قرآن وجود دارد.

آنچه ما بر اساس تحقیقات علمی به آن رسیده ایم این است که در قرآن استدلالی درباره اثبات وجود خداوند نیامده است و این با دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان مطابقت دارد که می‌فرماید قرآن اصل وجود خداوند را بدیهی می‌داند و همیشه از صفات خداوند همانند خالقیت و ربوبیت صحبت کرده است. بنابراین کسانی که مخاطب خداوند در عصر نزول بوده اند در اصل وجود خداوند شکی نداشتند اما در ربوبیت خداوند، مشرک بودند و در زمینه عبودیت، غیر از خدا را می‌پرسیدند.

اعتقاد فطرت بشر به وجود خداوند در زمان نزول قرآن، عده ای خدا را قبول داشتند اما مشرک بودند، عده ای همانند مسیحیان و یهودیان هم اهل کتاب بودند و عده ای هم معاد را قبول نداشتند. در زمینه اینکه فطرت بشر به وجود خدا اعتقاد دارد آیات زیادی وجود دارد که از جمله آیه ۳۰ سوره روم است که خداوند فرموده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند» است. کتاب «التوحید» اثر شیخ صدوق، یکی از کتاب‌هایی است که به این موضوع اشاره کرده است که بشر به صورت فطری وجود خدا را باور دارد. نکته مهم این است که فطری بودن اعتقاد به وجود خدا با مسئله اثبات یا عدم اثبات وجود خدا، دو مسئله جدا هستند یعنی ممکن است کسی معتقد باشد وجود خداوند بدیهی است اما از سوی دیگر برای وجود خداوند دلیل هم بیآورد. البته اینها منافاتی با هم ندارند.

برخی به علامه طباطبایی ایراد گرفته اند که اگر وجود خداوند بدیهی است چرا در طول تاریخ ملحدانی وجود داشته و ائمه با آنها مناظره کرده اند. بنابراین جواب این قبیل اشکالات واضح می‌شود که بین بدیهی دانستن خداوند یا اثبات و عدم اثبات، تلازم وجود ندارد. برخی از اندیشمندان بر این دیدگاه ایراد گرفته اند که قرآن کتابی فرازمانی و فرامکانی است و نمی‌توان پذیرفت چنین کتابی در برابر چالش اعتقاد به عدم وجود خداوند با بی‌اعتنایی گذشته و نسبت به این مسئله سکوت کرده باشد. مگر می‌توانیم بپذیریم قرآنی که ماموریت هدایت بشر را بر عهده دارد درباره اصل وجود خداوند سکوت کرده باشد پس این دسته افراد می‌گویند قرآن در این زمینه سکوت نکرده است. وجود خداوند، فطری و بدیهی است

به نظر می‌رسد جوابی که می‌توان به این دسته از افراد داد این است که قرآن در این زمینه سکوت نکرده بلکه در زمینه وجود خداوند موضع گرفته و گفته اصل وجود خداوند، فطری و بدیهی است و شاید اساساً نیازی به دلیلی برای اثبات وجود خداوند نبوده است. یکی از آیاتی که مخالفان علامه طباطبایی به آن اشاره می‌کنند آیه ۱۰ سوره مبارکه ابراهیم است که خداوند فرموده است: «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ قَاتِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ ۖ مِنْ دُونِكُمْ ۗ وَيُوَجِّهُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ قَالُوا إِنَّ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا ۗ تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَنْ مَا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاءَنَا قَاتِلُونَ قَاتِلِ أَسْلَاطَانِ ۗ مُبِينِ» رسولان در جواب آنها گفتند: آیا در خدا که آفریننده

آسمانها و زمین است شک توانید کرد؟ خدایی که شما را به مغفرت و آمرزش از گناهانتان می خواند و می خواهد به اجل معین و عمر طبیعی برساند. باز کافران گفتند: ما شما (پیغمبران) را مثل خود بشری بیشتر نمی دانیم که می خواهید ما را از آنچه پدران ما می پرستیدند منع کنید، پس (اگر به راستی پیغمبر هستید) برای ما حجت و معجزی آشکار (که ما را مجبور به ایمان کند) بیاورید». اما علامه طباطبایی گفته است چنین آیه ای، اصل وجود خدا را اثبات نمی کند چراکه مخاطب این آیات مشرکینی هستند که خداوند را قبول دارند.

به عنوان نتیجه بحث باید گفت که به نظر می رسد در قرآن، آیه صریحی که دلالت بر اصل وجود خداوند کند نداریم هرچند در برابر دیدگاه های ملحدین هم می توان دلیل آورد؛ چراکه در قرآن این اصل بدیهی و فطری است. اگر به دیدگاه عرفا مراجعه کنیم به نظر می رسد نزدیک ترین روش به روش قرآنی را داشته و آنها نیز وجود خدا را بدیهی دانسته اند هرچند در کتاب های فلسفی مشاهده می کنیم که دلایلی برای اثبات وجود خداوند ارائه شده است.